

Capital Market Reaction to Auditors' Expertise¹

Hanieh Hekmat², Vahid Heydarzadeh Khalife Kandi³,
Shokoufeh Alizadeh⁴

Received: 2021/09/19

Accepted: 2022/02/22

Research Paper

Abstract

Capital market participants rely merely on audited financial information for their decision-making. Auditing is a helpful solution for agency problems among managers and shareholders. Regarding the trust gained by audit quality on financial information, it is expected that the capital market has a positive reaction toward hiring highly qualified auditors. This study is aimed to investigate the reaction of capital market to the expertise of auditors. The sample consists of 120 firms listed in Tehran Stock Exchange from 2016 to 2020. Findings resulted from regression models show that in firms with highly qualified auditors, the firm income have a more significant impact on stock prices. High expertise of auditors, which reduces information asymmetry and agency problems, may help govern and control a firm in the best way. The results show that the market reaction to selection of a more specialized auditor is positive. Iranian capital market believes that exploiting highly specialized auditors may result in increase of information relevance, decrease of abnormal returns, positive effects on a firm creditors' viewpoint toward lending, attracting investor confidence, and low assessment of financing risk.

Keyword: Auditors' Expertise, Capital Market Reaction, Auditors' Change, Debt Commitment.

JEL Classification: M42, G41

1. DOI: 10.22051/JERA.2021.38053.2942

2. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. (h.hekmat@alzahra.ac.ir).

3. M.Sc., Department of Auditing, Payame Noor University, Tehran, Iran. (Vahidheydarzadeh1122@gmail.com).

4. M.Sc., Department Accounting, Faculty of Social Science and Economic, Alzahra University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (Alizadeh.ACC90@gmail.com).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

واکنش بازار سرمایه به تخصص حسابرسان^۱

هانیه حکمت^۲، وحید حیدر زاده خلیفه کندی^۳، شکوفه علیزاده^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳

مقاله پژوهشی

چکیده

فعالان بازار سرمایه در تصمیمات خود به گونه‌ای ویژه به اطلاعات حسابرسی شده اتکا می‌کنند و حسابرسی راهکاری سودمند جهت برون‌رفت از مسئله‌ی نمایندگی میان مدیران و سهامداران به شمار می‌رود. با در نظر گرفتن میزان اعتمادی که کیفیت حسابرسی نسبت به اطلاعات مالی به وجود می‌آورد، انتظار می‌رود بازار سرمایه واکنش مثبتی نسبت به بکار گرفتن حسابرسان با تخصص بالا نشان دهد. هدف این پژوهش، بررسی چگونگی واکنش بازار سرمایه به تخصص حسابرسان است. یافته‌های حاصل از الگوهای رگرسیونی بر نمونه‌ای متشکل از ۱۲۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره ۵ ساله‌ی ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که در شرکت‌هایی که حسابرسان از تخصص بالاتری برخوردارند، درآمد شرکت تأثیر بیشتری بر قیمت سهام دارد. تخصص بالای حسابرسان با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و مشکلات نمایندگی، شرکت را به بهترین نحو راهبری و کنترل می‌کند. نتایج نشان می‌دهد واکنش بازار به انتخاب حسابرسان با تخصص بالاتر، مثبت است. بازار سرمایه معتقد است که به کار گرفتن حسابرسان با تخصص بالاتر باعث افزایش محتوای اطلاعاتی سود، کاهش بازده غیرعادی شده و تأثیر مثبت معناداری بر دیدگاه اعتباردهندگان در خصوص اعطای تسهیلات، جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و ارزیابی پایین ریسک نکول مطالبات دارد.

واژه‌های کلیدی: تخصص حسابرسان، واکنش بازار سرمایه، تغییر حسابرسان، قراردادهای بدهی.

طبقه بندی موضوعی: M42, G41

10.22051/JERA.2021.38053.2942:DOI

۱. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. (H.hekmat@alzahra.ac.ir).

۲. کارشناس ارشد، گروه حسابرسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (Vahidheydarzadeh1122@gmail.com).

۳. کارشناس ارشد، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. (Alizadeh.ACC@gmail.com).

۴. نویسنده مسئول. (Alizadeh.ACC@gmail.com)
<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

وقوع بحران‌های مالی در سال‌های اخیر، نقش اساسی گزارشگری معتبر و باکیفیت را پررنگ نموده است. این بحران‌ها، بیش از پیش توجه را به نقش کیفیت حسابرسی در گزارشگری معطوف کرده است. دستیابی به کیفیت بالای گزارش‌های مالی، بستگی به درستی عمل و تخصص حسابرس دارد (بهبهانی‌نیا، ولی‌زاده، ۱۳۹۹) از موضوعات موردعلاقه‌ی قانون‌گذاران، محققین و سرمایه‌گذاران، ارزیابی رقابت موجود در بازار سرمایه در قیمت‌گذاری سهام بر اساس کیفیت خدمات حسابرسی است. نیکل و های (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه‌ی تبلیغات و تقاضا بر هزینه‌های حسابرسی نشان می‌دهند که تبلیغات می‌تواند موجب تمرکز شرکت‌ها بر بهبود کیفیت حسابرسی شود. بر این اساس، با توجه به ماهیت حسابرسی به‌عنوان یک کالای اعتباری، کیفیت بالا (یا پایین) حسابرسی می‌تواند سبب تحمیل هزینه کمتر (یا بیشتر) از حد برای انجام حسابرسی شود. به‌طور کلی، پژوهش‌های اندکی در خصوص تغییراتی که موجب تغییر حداقلی و حداکثری در تخصص حسابرسان می‌شود، انجام شده است. نظرات و دیدگاه‌های مختلف بسیاری در مورد تخصص و کیفیت حسابرسی وجود دارد که، دلیل آن ادراک متفاوت بازار سرمایه از تخصص حسابرس در مباحث گزارشگری مالی می‌باشد. هاشمی‌نیا و حیرانی (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان تاثیر چرخش اجباری حسابرسی از اندازه موسسه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان دادند که چرخش موسسه حسابرسی تاثیر مثبت و معنی‌داری بر کیفیت حسابرسی دارد، به عبارت دیگر تغییر موسسه حسابرسی باعث بهبود کیفیت حسابرسی می‌شود. مهرآور و کارگر (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان بررسی ارتباط میان تغییر حسابرس با تخصص بالاتر و هزینه‌های تامین مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به این نتیجه دست یافتند که میان تغییر حسابرس از حسابرس متوسط به حسابرس با تخصص بالا و هزینه تامین مالی رابطه بصورت مثبت و معنادار وجود دارد. هدف این پژوهش واکنش بازار سرمایه به تخصص حسابرسان در اجرای حسابرسی است. ضرورت انجام حسابرسی، آشکارساختن اهمیت کیفیت حسابرسی در بازار سرمایه و تاثیر مثبت بر درآمد شرکت‌ها به دلیل استفاده از حسابرسان با تخصص بالاتر می‌باشد. در بخش‌های بعدی، ابتدا مبانی نظری، پیشینه و فرضیه‌های پژوهش ارائه شده است. سپس بایان یافته‌ها و نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها، پژوهش به پایان می‌رسد.

مبانی نظری

تخصص حسابرسی و ارزش سهام در فرضیه پشتیبان، بیان‌کننده این موضوع است که افشای اطلاعات نهانی به‌وسیله مدیران و گزارش‌های مالی حسابرسی شده مکمل یکدیگر می‌باشند. بال و همکاران (۲۰۱۲) بر مبنای تحقیقات خود عنوان نمودند که شرکت‌هایی که مدیریت آن‌ها پیش‌بینی‌های بیشتر و دقیق‌تری انجام داده‌اند، نیازمند انجام گسترده‌تر حسابرسی صورت‌های مالی توسط حسابرسان مستقل می‌باشند، چون واکنش زیادی از سوی بازار متوجه آن‌ها می‌شود. فرانسیس (۲۰۱۱) چارچوبی جهت انجام حسابرسی باکیفیت و تخصص لازم مطرح نمود، که دربرگیرنده عواملی چون تردید حرفه‌ای، تخصص‌های لازم برای حسابرسی، ریسک و... و نیز پیامدهای ناشی از تخصص حسابرسی همانند تغییرات ارزش سهام، واکنش‌های بازار و... می‌باشد. شواهد به‌دست‌آمده از ارزش‌گذاری سهام در بازار بیان‌کننده این موضوع است که صاحب‌کاران به‌طور داوطلبانه و اختیاری خدمات منحصربه‌فردی را خریداری نموده و حتی هزینه زیادی را برای این خدمات متحمل می‌شوند و بدین ترتیب درجه‌ی بالاتری از تخصص و کیفیت حسابرسی را ارائه می‌کنند. حسابرسانی که دارای تخصص بالاتری هستند به دو طریق می‌توانند برای فعالان بازار سرمایه محتوای اطلاعاتی ایجاد نمایند. اول، استفاده از خدمات حسابرسانی که تخصص بالایی در انجام کار دارند، به‌عنوان یک علامت در مورد ارزش پایه شرکت برای سرمایه‌گذارانی که اطلاعات زیادی در دست ندارند محسوب می‌شود. به‌گونه‌ای که نتایج پژوهش تیمن و ترومن (۱۹۸۶) نخست حاکی از آن است که حسابرسانی که تخصص بالاتری دارند، قدرت ارائه اطلاعاتی به‌مراتب دقیق‌تر نسبت به سایرین در خصوص ارزش شرکت دارند و بدین ترتیب مدیرانی که از وضعیت خوب شرکت خود اطلاعات مناسبی دارند، حسابرسانی را برمی‌گزینند که تخصص بالایی دارند. دوم، از آنجا که حسابرسانی که تخصص بالایی دارند، اطلاعات دقیق‌تری نیز ارائه می‌نمایند، به کار گرفتن آن‌ها موجب می‌گردد تا عدم تقارن اطلاعاتی که میان شرکت و سرمایه‌گذاران وجود دارد، کاهش یابد. در شرایطی که اطلاعات در دست سرمایه‌گذار برای تشخیص ارزش واقعی شرکت کافی نباشد و به‌نوعی خلأ اطلاعاتی وجود داشته باشد، نیاز به اطلاعات خارجی پیدا می‌کند، در چنین شرایطی تخصص حسابرسان نقش اساسی ایفا می‌نماید. یکی از ابزارهای مورد استفاده در چنین شرایطی استفاده حسابرسان از علامت‌دهی است. علامت‌دهی حسابرسان سبب حذف شدن عدم تقارن اطلاعاتی میان شرکت و بازار سرمایه خواهد شد (واعظ و رشیدی باغی، ۱۳۹۳) پژوهش انجام‌شده توسط

مشایخ و همکاران (۱۳۹۷) مشخص نمود که به همان نسبتی که حسابرسان در صنعت موردنظر تخصص پیدا می‌کنند، دانش تخصصی آن‌ها بیشتر شده و از آنان انتظار می‌رود در مقایسه با حسابرسان غیرمتخصص در شناخت گزارش‌های متقلبانه دقت و توان بیشتری داشته باشند. مطابق پژوهش‌های گذشته، اطلاعات اعلان سودهای جدید در ارزش سهام منعکس شده و به‌عنوان معیاری از انتظارات سرمایه‌گذاران در خصوص کیفیت سود در نظر گرفته می‌شود. می‌توان این‌گونه بیان نمود که، با در نظر گرفتن میزان اعتمادی که کیفیت حسابرسی نسبت به کیفیت سود به وجود می‌آورد، بازار سرمایه در مورد به کار گرفتن حسابرسان با تخصص بالا واکنش نشان می‌دهد. از سوی دیگر، مؤسسات حسابرسی بزرگ از روش‌ها و فرآیندهای حسابرسی استانداردتری جهت رسیدگی صاحب‌کار استفاده می‌نمایند که سبب واکنش بازار سرمایه نسبت به این انتخاب مؤسسات حسابرسی می‌شود. نیکولز و اسمیت (۱۹۸۳) در پژوهش خود پیرامون واکنش بازار و تغییر و جایگزینی حسابرس به این نتیجه دست یافتند که جابجایی و تغییر حسابرس از مؤسسات حسابرسی بزرگ به مؤسسات حسابرسی کوچک، سبب به وجود آمدن واکنش منفی بازار در تاریخ اعلام می‌گردد و تغییرها و جایگزینی از مؤسسات حسابرسی کوچک به مؤسسات حسابرسی بزرگ سبب بروز واکنش مثبت بازار می‌شود، درحالی که این تفاوت از نظر آماری معنادار نبوده است. تئو و ونگ (۱۹۹۳) در پژوهش خود پی بردند که میزان واکنش قیمتی بازار به سود غیرمنتظره برای صاحب‌کاران مؤسسات حسابرسی بزرگ به مراتب خیلی شدیدتر از مؤسسات کوچک می‌باشد. زمانی که بازار معتقد است که محتوای اطلاعاتی سود هنگام به کار گرفتن حسابرسان با تخصص بالا افزایش می‌یابد، انتظارات بدین گونه شکل می‌گیرد که هنگام تغییر و جابجایی حسابرس و انتخاب حسابرسان با تخصص بالاتر، واکنش بازار نسبت به این اتفاق مثبت خواهد بود. این واکنش را می‌توان منطبق با دیدگاهی دانست که در آن واکنش بازار نسبت به تغییر حسابرس به خصوصیات و توانایی‌های حسابرس بستگی دارد. نیکل و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهش خود بیان نمودند که واکنش بازار نسبت به تغییر حسابرس بستگی بسیاری به تخصص حسابرس عزل شده و پیشین دارد. به دلیل گسترش تقاضای تسهیلات دریافتی شرکت‌ها از موسسه‌های اعتباری و بانک‌ها و به تبع آن اخذ وثیقه توسط بانک‌ها و با توجه به نقش حسابرسی به عنوان مکانیزم اعتباربخشی، بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی با میزان تسهیلات دریافتی از اهمیت بالایی برخوردار است. فرزین خوش‌کار (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان داد که میزان اعتبار مؤسسه حسابرسی و میزان مقبولیت

گزارش حسابرس مستقل شرکت‌ها دارای رابطه مثبت معنی‌دار با سطح اعتماد اعتباردهندگان و بانک‌ها برای اعطای تسهیلات به شرکت‌های مذکور می‌باشند. دیاز و فابیو (۲۰۱۷) در پژوهش خود نشان دادند که اعتبار دهندگان در تعیین نرخ وام وزن بسیار زیادی به اطلاعات مالی حسابرسی شده می‌دهند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که در کنار اطلاعات کمی اطلاعات کیفی همانند نوع فعالیت شرکت، نوع صنعت، کیفیت حسابرس شرکت و مواردی از این قبیل می‌تواند در ارزیابی توانایی بازپرداخت وام گیرنده مورد استفاده قرار گیرد. برای اعتباردهندگان، گزارش‌های حسابرسی ارائه‌شده توسط حسابرسان بسیار حائز اهمیت می‌باشد. در قراردادهای بدهی صورت‌های مالی مبنا قرار داده می‌شوند، بدین صورت که حسابرسی با کیفیت و مناسب هزینه‌های نمایندگی را برای اعتباردهندگان حداقل نموده و کاهش می‌دهد. واتس و زیمرمن (۱۹۸۶) با در نظر گرفتن ریسک‌های ایجادشده ناشی از رقابت، اعتباردهندگان با پذیرفتن شرایط اعتبار گیرنده همانند گرفتن وثیقه‌های کمتر در قرارداد به اجبار متحمل هزینه‌های نمایندگی به شکل کاهش دادن نرخ بهره می‌شوند. بنابراین، مشکلات نمایندگی، نوسان‌های بازار، عدم تقارن اطلاعاتی و همچنین عواملی نظیر عوامل کلان اقتصادی در تعیین نرخ اعطای وام و اعتبار نقش دارند. فرانسس و وانگ (۲۰۲۰) در پژوهش خود نشان دادند که در شرکت‌های خصوصی، انجام حسابرسی موجب پرداخت نمودن نرخ بهره بانکی کمتر در مقایسه با دیگر شرکت‌ها می‌گردد. از سوی دیگر اعتباردهندگان در مواقع تعیین نرخ وام و اعطای اعتبار به گزارش‌های حسابرسی و اطلاعات مرتبط با آن‌ها توجه به خصوصی می‌نمایند. بلکول، نولاند و وینترز (۱۹۹۸) بانک‌ها در تعیین دوره بازپرداخت در زمان پذیره‌نویسی قراردادهای بدهی به ترکیبی از دو تجزیه و تحلیل کمی و کیفی اتکا می‌کنند. تحلیل کمی دربرگیرنده جمع‌آوری اطلاعات اختصاصی (همانند پیش‌بینی مالی، بررسی و ارزیابی وثایق، اطلاعات مرتبط با هزینه‌های داخلی) و اطلاعات عمومی (همچون پرونده‌های مرتبط با بازرسی‌ها و ارزش وثایق) می‌باشد که مشخص‌کننده یک رتبه‌بندی داخلی از منظر ریسک است، و با بهره گرفتن از این روش توان بازپرداخت وام گیرنده را مورد ارزیابی قرار داده و خلاصه می‌نماید. همواره این‌گونه بیان می‌شود که تجزیه و تحلیل‌های کمی نمی‌تواند به تنهایی چشم‌انداز آتی بازپرداخت وام گیرنده را ترسیم نمایند، در کنار اطلاعات کمی، باید اطلاعات کیفی نیز مدنظر قرار گیرد. اطلاعات کیفی همانند زمینه فعالیت شرکت، نوع صنعت، تخصص حسابرس و اطلاعات کیفی دیگر که در سطوح خرد و کلان می‌تواند در ارزیابی توان

بازپرداخت وام گیرنده مؤثر بوده و مورد استفاده قرار می‌گیرد. به‌طور خلاصه، صورت‌های مالی حسابرسی شده با کیفیت مطلوب توسط حسابرسان با تخصص بالا در حداقل کردن هزینه‌های ناشی از نمایندگی و دست یافتن به شرایط قراردادی بهتر بدهی برای شرکت مؤثر بوده و تأثیر بسزایی دارد.

پیشینه پژوهش

پژوهش انجام‌شده توسط جی هری و میهو (۲۰۱۹) بیانگر این موضوع است که حسابرسان موسسه حسابرسی با افزایش تخصص خود، نارضایتی شرکت‌ها را کاهش می‌دهند، این کاهش نارضایتی‌ها در کنار رفتار اعتباردهندگان و واکنش بازار موجب می‌گردد که مدیران انتظارات بالاتری از حسابرسان داشته باشند. ودیعی، کاردان و هوشمند (۱۳۹۷) بر مبنای یافته‌های پژوهش خود بیان کردند که در بین موسسه‌های حسابرسی گروه (اول) و سطح خطای پیش‌بینی سود، ارتباطی به‌صورت یک رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش آن‌ها مشخص نمود که نرخ بازده دارایی‌ها و اهرم مالی تأثیری مثبت و معناداری بر میزان خطای سود پیش‌بینی شده از قبل دارد. باین حال، بین دو متغیر رتبه‌بندی حسابرس و انواع اظهارنظر با اندازه خطای سود پیش‌بینی شده هیچ‌گونه رابطه معناداری مشاهده نشد. بهارمقدم و جوکار (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان " اثر تعدیلی تخصص و کیفیت حسابرس بر علاقه و تمایلات سرمایه‌گذاران در ارزش‌گذاری سهام " بیان کردند که گزارش‌های صادرشده توسط حسابرس، اعتماد سرمایه‌گذاران را نسبت به اطلاعات حسابداری تقویت نموده و بر علاقه و تمایل سرمایه‌گذاران در ارزش‌گذاری سهام تأثیر بسزایی دارد، همین‌طور مشخص نمودند که اندازه حسابرسی دارای اثر تعدیل‌کنندگی نبوده و اثری بر علایق سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه را ندارد. رستگاری، مهدوی (۱۳۹۹) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافتند که تخصص حسابرس در صنعت که مرتبط با اجرا و رفتار حسابرسی است، عامل مهم در نحوه توزیع بازار میان موسسه‌های حسابرسی و در نتیجه، تمرکز بازار حسابرسی است که این یافته تأیید‌کننده پیش‌بینی‌های مکتب شیکاگو_ یو. سی. ال. ای. است. خانی، رجب‌دری و صدری (۱۳۹۹) در پژوهش خود پیرامون کیفیت حسابرسی (اندازه‌ی موسسه حسابرسی، تخصص حسابرس در صنعت و دوره تصدی حسابرس) و حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس با اظهارنظر حسابرس نسبت به تداوم فعالیت به این نتیجه رسیده‌اند که کیفیت بالاتر حسابرسی، سبب کاهش ابهام و تردید

در تداوم فعالیت می‌شود. همچنین، میان اندازه مؤسسه حسابرسی و تردید در تداوم فعالیت رابطه‌ای به صورت منفی و معناداری وجود دارد. علاوه بر این، آن‌ها تبیین کردند که بین تخصص حسابرس در صنعت و تردید در تداوم فعالیت رابطه‌ی منفی معناداری وجود دارد. آذین فر و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان "تخصص و کیفیت حسابرسی، سیاست‌های مؤسسه‌های حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی"، پی بردند که تخصص و کیفیت حسابرسی با سیاست چرخش حسابرس رابطه‌ی معناداری داشته و تخصص و توانایی حسابرس سبب افزایش مبلغ حق‌الزحمه حسابرس می‌شود. دو نون، مارتین و فیلیپس (۲۰۲۰) در پژوهش خود به این پرسش پرداختند که آیا شناخت اقلام در صورت‌های مالی در مقابل افشای آن‌ها در طرح قرارداد بدهی تأثیری دارد یا خیر؟ نتایج به دست آمده گویای این مطلب می‌باشد که شناخت روش استفاده از صورت‌های مالی توانایی کنترل مؤثرتر و استفاده مناسب‌تری را فراهم می‌آورد، چراکه صورت‌های مالی نشان‌دهنده وضعیت مالی وام‌گیرنده می‌باشد. لی و لوین (۲۰۲۰) در پژوهش خود به تشخیص و شناسایی نقش حسابرس و تخصص آن در کیفیت حسابرسی دریافتند که انگیزه و علاقه حسابرس به ارائه‌ی حسابرسی تغییر می‌نماید و هم‌جهت با کیفیت (در موقعیتی که میزان کیفیت و عملکرد کنترل‌های داخلی مؤسسه حسابرسی در حد مطلوب باشد)، افزایش می‌یابد. البته این امکان نیز وجود دارد که به‌طور هم‌زمان انگیزه‌های حسابرسان به جهت حفظ نمودن سیستم کنترل کیفیت داخلی خوب کاهش دهد، علت این موضوع را می‌توان دلیل کاهش کیفیت حسابرسی دانست. چمبرز و پابین (۲۰۰۸) در پژوهش خود با عنوان کیفیت حسابرسی اقلام غیرعادی به این نتیجه دست یافتند که میزان بازده عملیاتی مرتبط با اقلام تعهدی غیرعادی با کیفیت حسابرسی رابطه‌ی منفی و معناداری دارد. نتایج پژوهش لی و رودن (۲۰۰۷) نشان می‌دهد حسابرسی با کیفیت رابطه مثبت و معناداری با میزان تغییر پیش‌بینی سود دارد. به طوری که هرچه قدر کیفیت حسابرسی بیشتر باشد، به تبع آن کیفیت اطلاعات حسابداری نیز بالاتر است. بنابراین می‌توان پیش‌بینی نمود، که با رخداد تکنولوژی در اطلاعات بازده، سطح خطای کمتری را در بردارد. پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده هر کدام به نحوی و از زاویه‌ای متفاوتی به کیفیت کار حسابرسی انجام شده توسط حسابرسان و شرکا پرداخته‌اند، آن چیزی که به غنی شدن ادبیات این موضوع اضافه نماید بررسی و مطالعه اثر تخصص بالای حسابرسان بر بازار سرمایه و واکنش بازار نسبت به آن است که در پژوهش حاضر به آن پرداخته شده است.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: در شرکت‌هایی که حسابرسان تخصص بالاتری دارند، درآمدها تأثیر مثبت معناداری بر قیمت سهام دارند.

فرضیه دوم: تغییر حسابرس و انتخاب حسابرسان با تخصص بالاتر موجب واکنش مثبت و معنی‌دار بازار سرمایه می‌شود.

فرضیه سوم: حسابرسی توسط حسابرسان با تخصص بالاتر تأثیر مثبت معناداری بر تامین مالی شرکت‌های بورسی (مبلغ تسهیلات دریافتی) دارد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های توصیفی و همبستگی است و می‌تواند در فرایند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران مؤثر و کاربردی باشد. به منظور جمع‌آوری داده، در گام نخست از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. مبانی نظریه پژوهش، در روش کتابخانه‌ای، از کتاب‌ها و مجلات تخصصی به زبان فارسی و لاتین جمع‌آوری و پس از آن، برای جمع‌آوری داده‌های موردنیاز پژوهش از آمارهای ارائه شده توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران، سایت شرکت بورس اوراق بهادار تهران و دیگر منابع دستیابی به اطلاعات موردنیاز در مورد شرکت‌ها گردآوری شده است.

جامعه آماری و روش انتخاب نمونه

جامعه آماری در این پژوهش، تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بین سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ می‌باشد. برای انتخاب نمونه از تمامی داده‌های در دسترس به روش حذفی استفاده شده است و از میان تمامی شرکت‌های در دسترس، شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر نبوده‌اند، حذف شدند:

- ۱- به جهت همگن‌سازی زمانی نمونه آماری، شرکت‌هایی که قبل از سال ۱۳۹۴ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- ۲- برای حداکثر کردن قابلیت مقایسه، دوره مالی شرکت‌ها پایان اسفندماه باشد.
- ۳- شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، بیمه‌ها نباشند.
- ۴- در قلمرو زمانی پژوهش تغییر فعالیت یا تغییر دوره مالی نداشته باشند.
- ۵- داده‌ها و اطلاعات موردنیاز شرکت‌ها در دسترس باشد.

پس از اعمال این محدودیت‌ها در نهایت نمونه آماری این پژوهش، شامل ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

مدل و متغیرهای پژوهش

به منظور آزمون فرضیه اول، از مدل گال و همکاران (۲۰۱۳) بهره گرفته شده است:

مدل (۱)

$$CAR_{it} = a_0 + a_1 SUPRISE_{it} + a_2 QPartner_{it} + a_3 SUPRISE_{it} * QPartner_{it} + a_4 LEV_{it} + a_5 SIZE_{it} + a_6 LOSS_{it} + a_7 CURRENT_{it} + a_8 LINE_{it} + a_9 STDRT_{it} + \varepsilon$$

در این مدل، CAR بازده غیرعادی، $SUPRISE$ نوسان فصلی سود، $QPARTNER$ تخصص حسابرس، LEV اهرم مالی، $SIZE$ اندازه شرکت، $LOSS$ زیان شرکت، $CURRENT$ نسبت جاری، $LINE$ سرمایه گذاری بلندمدت و $STDRET$ معیار ریسک می‌باشد. برای آزمون فرضیه دوم از مدل زیر بهره گرفته شده است:

مدل (۲)

$$CAR_{it} = a_0 + a_1 PartnerCH_{it} + a_2 LEV_{it} + a_3 SIZE_{it} + a_4 LOSS_{it} + a_5 CURRENT_{it} + a_6 LINV_{it} + a_7 STDRET_{it} + \varepsilon$$

در مدل مذکور، CAR بازده غیرعادی، $PartnerCH$ تغییر حسابرس، LEV اهرم مالی، $SIZE$ اندازه شرکت، $LOSS$ زیان شرکت، $CURRENT$ نسبت جاری، $LINE$ سرمایه گذاری بلندمدت و $STDRET$ معیار ریسک می‌باشد. برای آزمون فرضیه سوم از مدل زیر بهره گرفته شده است.

مدل (۳)

$$CONTRACTE_{it} = a_0 + a_1 QPartner_{it} + a_2 LEV_{it} + a_3 SIZE_{it} + a_4 LOSS_{it} + a_5 CURRENT_{it} + a_6 LINV_{it} + a_7 STDRET_{it} + \varepsilon$$

در مدل مذکور، $CONTRACTE$ میزان تسهیلات دریافتی، $QPartner$ تخصص حسابرس، LEV اهرم مالی، $SIZE$ اندازه شرکت، $LOSS$ زیان شرکت، $CURRENT$ نسبت جاری، $LINE$ سرمایه گذاری بلندمدت، $STDRET$ معیار ریسک و ε خطای مدل است.

متغیرهای وابسته

بازدهی غیرعادی (Abonormal return): بازده غیرعادی عبارت است از تفاوت بازده واقعی شرکت و بازده بازار رمضان احمدی و جلالی (۱۳۹۲)، که از طریق زیر محاسبه می‌شود:

$$AR_{it} = R_{it} - R_{mt}$$

که در این رابطه، برای محاسبه بازده سالانه سهام شرکت (R_{it}) از فرمول جامع محاسبه‌ی بازدهی با در نظر گرفتن تعدیلات قیمت بر اساس سود نقدی و تغییرات سرمایه مطابق رابطه زیر استفاده شده است.

$$R_{it} = \frac{(P_t(1 + \alpha + \beta) - (P_{t-1} + C\alpha) + D_t)}{P_{t-1} + C\alpha}$$

که در آن: P_t قیمت سهام در پایان دوره t ، P_{t-1} قیمت سهام در ابتدای دوره t یا پایان دوره $t-1$ ، D_t سود نقدی پرداختی در سال t ، درصد افزایش سرمایه از محل مطالبات و آورده نقدی، β درصد افزایش سرمایه از محل اندوخته، C مبلغ اسمی پرداخت شده توسط سرمایه گذار بابت افزایش سرمایه از محل آورده نقدی.

R_{mt} : برابر است با نرخ بازده بازار که از شاخص بازده نقدی و قیمت بورس اوراق بهادار تهران (TEDPIX) به شرح زیر به دست می‌آید:

$$R_{mt} = \frac{(TEDPIX_t - TEDPIX_{t-1})}{TEDPIX_{t-1}}$$

تسهیلات دریافتی (CONTRACTEit): در پژوهش حاضر از میزان تسهیلات دریافت شده بهره گرفته شده است که برابر است با لگاریتم مجموعه تسهیلات بلندمدت دریافت شده از بانک‌ها و مؤسسات (چوی و همکاران، ۲۰۱۴).

متغیرهای مستقل

نوسان‌های فصلی سود (SUPRRISE): اختلاف میان سود فصل اول و چهارم اعلام شده توسط شرکت‌های بورسی تقسیم بر قیمت اعلامی پایانی سهام در آن فصل است (گال و همکاران، ۲۰۱۳).

تغییر حسابرس (PartnerCH): متغیری مجازی است، اگر تغییر از حسابرسانی که تخصص پایینی دارند به حسابرسانی با تخصص بالا باشد، عددی برابر یک و در غیر این صورت صفر خواهد بود.

اگر مقدار باقیمانده خطای مدل (۳) تخصص حسابرسان عددی بزرگ‌تر از صفر باشد، این عدد نشان‌دهنده‌ی تخصص بالای حسابرسان و در غیر این صورت نشان از تخصص پایین آن‌ها دارد. تخصص حسابرسان (QPARTNER): از مدل جونز تعدیل شده (۱۹۹۱) برای صاحب‌کاران هر شریک (بر اساس نام و امضای شریک در گزارش حسابرسان) محاسبه و برآورد می‌شود. در این مدل اقلام تعهدی اختیاری، تحت اختیار و کنترل مدیریت می‌باشد و مدیریت به وسیله دست‌کاری آن‌ها اقدام به مدیریت سود می‌نماید. اقلام تعهدی در اختیار مدیریت اختلاف میان اقلام تعهدی غیر اختیاری از جمع کل اقلام تعهدی محاسبه می‌شود. با در نظر گرفتن اثرات مختلف اقلام تعهدی اختیاری بر میزان سود و زیان هر دوره، این امکان وجود دارد که این اقلام را به دو صورت اختیاری و قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری مورد تجزیه و تحلیل قرارداد. از مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) جهت محاسبه‌ی اقلام تعهدی اختیاری صاحب‌کاران به‌عنوان شاخصی از تخصص حسابرسان بهره گرفته شده است.

مدل (۴)

$$TA_t = (\Delta CA_t - \Delta CL_t - \Delta CASH_t + \Delta STDEBT_t - DEPN)$$

مدل (۵)

$$\frac{TA_t}{A_{t-1}} = a_1 \left(\frac{1}{A_{t-1}} \right) + a_2 \left(\frac{\Delta REV_t - \Delta REC_t}{A_{t-1}} \right) + a_3 \left(\frac{PPE_t}{A_{t-1}} \right) + a_4 ROA_{t-1} + \varepsilon$$

در این معادله داریم: TA_t کل اقلام تعهدی در سال t ، ΔCA_t تغییر در دارایی‌های جاری در سال t ، ΔCL_t تغییر در بدهی‌های جاری، $\Delta CASH_t$ تغییر در وجه نقد، $\Delta STDEBT_t$ تغییر در حصه جاری تسهیلات دریافتی در سال t ، $DEPN$ تغییر در هزینه استهلاک دارایی‌های مشهود و نامشهود، ΔREV_t درآمد سال t منهای درآمد سال $t-1$ ، PPE اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات (ناخالص) در پایان سال t ، ROA_{t-1} بازده دارایی در $t-1$ ، A_{t-1} کل دارایی‌ها در سال $t-1$ و ΔREC_t تغییر حساب‌های دریافتی سال t تعریف شده است. شرکت‌هایی که انگیزه بیشتری برای متعهد نشان دادن خود دارند موسسات بزرگ و مشهور حسابرسان را انتخاب می‌کنند، در اینجا بزرگی و شهرت موسسه حسابرسانی جانشینی برای کیفیت حسابرسانی می‌باشد. موسسه‌های بزرگ حسابرسانی دارای منابع مالی و انسانی بیشتری هستند که این امر می‌تواند بر صلاحیت و تخصص حسابرسان موثر باشد. پس از برآورد مدل فوق، بر اساس پژوهش آئوبدیا و همکاران (۲۰۱۵) مدل زیر به منظور تعیین کیفیت حسابرسانی (QPartner) در فرضیه اول و سوم برآورد می‌شود:

مدل (۶)

$$\begin{aligned} \text{ABSDA} = & a_0 + a_1 \text{LOSS}_{it} + a_2 \text{LEV}_{it} + a_3 \text{TURN} + a_4 \text{SIZE}_t + \\ & a_5 \text{BTM} + a_6 \text{AGE} + a_7 \text{CFO} + a_8 \text{STDCFO}_t + a_9 \text{IND} - \text{MKTSHARE} - \text{EPT} \\ & + a_{10} \text{TENUREEP} + a_{11} \text{BIG} + a_{12} \text{SIZE} - \text{EP} + a_{13} \text{CI} - \text{EPT} + \varepsilon \end{aligned}$$

ABSDA اقلام تعهدی به دست آمده از مدل (۵)، LOSS زیان شرکت، LEV اهرم مالی، TURN گردش فروش، SIZE اندازه شرکت، BTM ارزش دفتری به ارزش بازار، AGE عمر شرکت، CFO جریان نقد عملیاتی، STDCFO انحراف معیار جریان نقد عملیاتی، IND - MKTSHARE - EP سهم بازار شریک حسابرسی، TENUREEP تداوم انتخاب شریک حسابرسی، BIG اندازه مؤسسه حسابرسی (سازمان به عنوان حسابرس بزرگ و مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی به عنوان حسابرس کوچک)، SIZE - EP اندازه صاحب کاران شریک حسابرسی، CI - EPT سطح اهمیت صاحب کار است.

متغیرهای کنترلی

متغیرهایی که در پژوهش‌های گذشته تأثیر قابل توجهی بر میزان بازده غیرعادی و تسهیلات دریافتی داشته‌اند، به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده است که عبارت‌اند از: اهرم مالی (LEV): اهرم مالی را می‌توان از طریق نسبت بدهی‌ها به کل دارایی‌ها محاسبه نمود. اندازه شرکت (SIZE): از لگاریتم طبیعی دارایی‌های موجود در شرکت اندازه شرکت به دست آمده است.

زیان: متغیر مجازی صفر و یک است به طوری که اگر شرکت در سال جاری، سال گذشته و یا دو سال گذشته متحمل زیان شده باشد، عدد یک و چنانچه زیانی نداشته باشد عدد صفر خواهد بود.

نسبت جاری (CURRENT): مساوی است با نسبت دارایی‌های جاری به جمع کل دارایی‌های شرکت.

سرمایه‌گذاری بلندمدت: مساوی است با نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌های ثبت شده ابتدای دوره.

ریسک (STDRET): مساوی است با انحراف معیار بازده در دوره ۳ ساله شرکت.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

نگاره ۱ آمار توصیفی شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، بیشینه و کمینه مشاهدات را برای متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد. بررسی و تجزیه و تحلیل نتایج کمی کسب شده با به کارگیری آمار توصیفی متغیرهای تحقیق با در نظر گرفتن جدول بیان کننده ارزش ۰/۰۳۴۸ در میانگین متغیر بازده غیرعادی است. میانگین به دست آمده برای متغیر اعتبارات و تسهیلات دریافتی برابر با ۴/۰۰۸۷ می‌باشد. میانگین متغیرهای سود جاری، تخصص حسابرس، تغییر حسابرس برابر با ۰/۰۶۰۸، ۰/۰۳۱۶، ۰/۵۱۶۸ هستند. اهرم مالی بیانگر میانگینی در حدود ۰/۴۰۳۸ می‌باشد که این مطلب نشان دهنده این موضوع است که قسمت مهمی از منابع موجود در شرکت از محل بدهی‌ها تأمین شده است. میانگین نسبت جاری برابر با ۰/۴۸۹۰ می‌باشد. این موضوع بیان می‌کند که بخش قابل ملاحظه‌ای از دارایی‌های شرکت جاری بوده که این امر مستلزم تلاش مضاعف و رسیدگی بیشتر حسابرسان را نشان می‌دهد. میانگین سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، برابر با ۰/۸۴۱۲ است که این موضوع نشان می‌دهد که دارایی ثابت شرکت‌ها محدود می‌باشند دلیل این امر را می‌توان سطح رشد شرکت‌ها قلمداد کرد (واعظ و همکاران، ۱۳۹۲).

نگاره ۱: آمار توصیفی پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
بازده غیرعادی	۰/۰۳۴۸	۰/۰۴۶۴	۰/۱۲۴۶	۰/۳۸۱۸	-۰/۱۰۳۵
میزان تسهیلات دریافتی	۴/۰۰۸۷	۵/۴۸۷۵	۰/۲۴۴۲	۶/۶۱۴۰	۰/۲۲۶۰
سود فصلی	۰/۰۶۰۸	۰/۰۴۱۰	۰/۰۶۱۸	۰/۲۰۱۰	۰/۰۰۰۰
تخصص حسابرس	۰/۰۳۱۶	۰/۰۱۷۸	۰/۱۸۳۲	۰/۲۷۳۸	-۰/۱۶۳۸
تغییر حسابرس	۰/۵۱۶۸	۰/۰۰۰۰	۰/۴۶۶۹	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	۰/۴۰۳۸	۰/۴۶۰۸	۰/۳۴۴۸	۰/۷۴۸۶	۰/۱۸۴۱
مقیاس (اندازه) شرکت	۵/۵۵۱۵	۵/۱۶۸۳	۱/۶۳۵۰	۸/۸۹۹۴	۰/۰۰۰۰
زیان	۰/۰۷۶۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۷۲۱	۱/۰۰۰۰	-۰/۱۹۰۰
نسبت جاری	۰/۴۸۹۰	۰/۳۰۰۰	۰/۳۱۲۶	۰/۶۸۰۰	۰/۰۲۷۰
سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت	۰/۸۴۱۲	۰/۳۸۰۰	۰/۳۱۱۰	۰/۴۹۰۰	۰/۰۳۵۰
ریسک	۰/۱۸۶۸	۰/۱۶۴۸	۰/۱۲۶۲	۰/۳۸۲۱	۰/۰۴۰۶

آمار استنباطی

نتایج حاصل از آزمون F لیمر برای بررسی استفاده از روش داده‌های پنل با اثرات ثابت در مقابل روش داده‌های ترکیبی در نگاره ۲ نشان داده شده است.

نگاره ۲: نتایج آزمون F لیمر

روش مقبول و مورد استفاده	میزان خطا	آماره F	مدل
داده‌های پنل	۰/۰۰۰۰	۷/۴۴۶۲	مدل ۴
داده‌های پنل	۰/۰۰۰۰	۶/۳۸۱۱	مدل ۵
داده‌های پنل	۰/۰۰۰۰	۶/۳۸۱۲	مدل ۶

با در نظر گرفتن آماره و میزان خطای به دست آمده در آزمون F لیمر، نیاز است برای انتخاب از میان مدل داده‌های تابلویی با اثرات یا داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی، از آزمون هاسمن استفاده شده و مدل مورد نظر تعیین گردد. نتایج به دست آمده از آزمون هاسمن در نگاره ۳ آورده شده است.

نگاره ۳: نتایج آزمون هاسمن

روش مقبول و مورد استفاده	VIF	میزان خطا	آماره هاسمن	مدل
مدل اثرات ثابت	۷/۶۲۴۸	۰/۰۰۶۳	۲/۰۶۰۸	مدل ۴
مدل اثرات ثابت	۶/۵۴۰۰	۰/۰۰۰۰	۳/۹۲۴۸	مدل ۵
مدل اثرات ثابت	۷/۷۳۲۵	۰/۰۰۱۷	۲/۷۷۴۱	مدل ۶

نگاره ۳ نشان می‌دهد که فرضیه H_0 برای مدل پژوهش رد شده است، بنابراین از مدل داده‌های تابلویی با اثرات ثابت استفاده می‌شود. در این پژوهش جهت تشخیص هم خطی از آزمون VIF استفاده گردیده که نتایج آن در تمامی مدل‌ها کمتر از ۱۰ بوده است.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج برآورد مدل‌های پژوهش در نگاره ۴ نمایش داده شده است. نتایج به دست آمده از تخمین مدل‌های ۴، ۵، ۶ نشان می‌دهد که مدل‌های پژوهش معنادار می‌باشند، و میزان خطای احتمال مربوط به آماره F برای تمامی آن‌ها معادل صفر و یا کمتر از ۵ درصد می‌باشد. بنابراین در سطح اطمینانی معادل ۹۹ درصد نیز معنی‌دار هستند. نتایج آماره دوربین واتسون مدل‌ها که در نگاره ۴ آورده شده است، حاکی از آن است که مشکل خودهمبستگی وجود ندارد. با توجه به تأییدیه آماره‌ی مدل‌ها، فرضیه‌های مطرح در پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. آماره t در

ارتباط با فرض صفر، نشان می‌دهد که در شرکت‌هایی که حسابرس از تخصص بالایی برخوردار است، درآمدها تأثیر بیشتری بر قیمت سهام نداشته و برابر با $-۲/۸۸۴۶$ در سطح خطای ۵ درصد رد می‌گردد. می‌توان نتیجه گرفت که، در شرکت‌هایی که حسابرسان با تخصص بالا بکار گرفته می‌شوند، این امر موجب اعتماد و اطمینان بیشتر استفاده‌کنندگان به گزارش‌های حسابرسی می‌شود و به دلیل این که قیمت بازار در سهام منعکس‌کننده‌ی اطلاعات درون‌سازمانی مانند درآمد می‌باشد، در نتیجه بازده غیرعادی به سبب تفاوت بازدهی سهام و بازدهی بازار به صورت نزولی خواهد بود. (یافته‌های مدل ۴)

نگاره ۴: برآورد مدل‌های پژوهش

متغیر	مدل ۴		مدل ۵		مدل ۶	
	ضریب	اماره t	ضریب	اماره t	ضریب	اماره t
عرض از مبدأ	-۰/۳۶۱۸	*-۳/۴۸۵۱	-۰/۲۴۱۲	*-۰/۴۶۹۰	-۰/۱۹۷۸	*۲/۲۴۸۱
سود فصلی	-۰/۱۶۳۵	*-۴/۱۵۷۲	-	-	-	-
تخصص حسابرس	۰/۶۲۲۴	*۳/۳۶۵۴	-	-	۰/۳۳۰۸	*۲/۶۴۴۵
سود فصلی*تخصص حسابرس	-۰/۱۹۴۸	-۲/۸۸۴۶	-	-	-	-
تغییر حسابرس	-	-	-۰/۳۵۷۸	*-۳/۲۳۵۷	-	-
اهرم مالی	۰/۰۱۵۴	۰/۸۸۲۱	-۰/۵۱۴۷	-۰/۳۳۶۸	۰/۱۷۳۳	*۱/۶۰۱۵
اندازه شرکت	۰/۳۱۷۳	*۴/۰۳۱۶	۱/۲۳۱۹	*-۳/۲۲۳۶	۰/۱۳۴۵	*۴/۰۰۳۶
زیان	۱/۱۰۰۸	*۰/۱۷۰۴	۰/۶۲۳۰	*۲/۸۹۹۱	۰/۳۵۷۶	*۲/۲۱۵۴
نسبت جاری	-۰/۳۴۱۷	-۰/۵۰۱۰	-۰/۱۶۰۲	-۱/۳۱۳۵	۰/۰۳۱۱	*۰/۱۴۲۶
سرمایه‌گذاری بلندمدت	۰/۳۶۲۲	۴/۱۱۳۹	۱/۰۰۳۳	*۳/۳۳۴۸	۰/۲۸۳۶	*۰/۶۸۹۳
ریسک	۰/۰۲۶۵	*۳/۰۰۱۸	۰/۱۷۲۱	۰/۱۳۹۸	۰/۰۳۴۰	*۰/۹۱۵۳
ضریب تعیین	۰/۶۲۳۳	-	۰/۳۵۲۰	-	۰/۶۴۳۹	-
ضریب تعیین تعدیل‌شده	۰/۲۰۱۴	-	۰/۴۹۴۵	-	۰/۳۵۵۱	-
اماره واتسون	۱/۷۷۴۳	-	۱/۹۴۵۶	-	۱/۷۱۰۲	-
اماره F	۶/۱۵۳۵	-	۷/۴۶۶۸	-	۷/۴۶۷۰	-
احتمال اماره	۰/۰۰۰۰	-	۰/۰۰۰۰	-	۰/۰۰۰۰	-

*بیانگر سطح معناداری ۱ درصد و **بیانگر سطح معناداری ۵ درصد.

با توجه به سطح معنی‌داری، فرض صفر مبنی بر اینکه تغییر حسابرس به حسابرس با تخصص بالاتر منجر به واکنش مثبت بازار سرمایه نمی‌گردد، کوچکتر از ۰/۰۵ بوده است، بنابراین فرض صفر رد می‌شود. در نتیجه تغییر حسابرس به حسابرس با تخصص بالاتر سبب واکنش مثبت بازار

می‌شود (یافته‌های مدل ۵). همچنین سطح خطای صفر، مبنی بر اینکه شرکت‌های دارای حسابرس با تخصص بالاتر تسهیلات دریافتی بیشتری دارند کوچکتر از ۰/۰۵ را نشان می‌دهد که آن دسته از شرکت‌هایی که توسط حسابرسان با تخصص بالا حسابرسی می‌گردند، تسهیلات دریافتی بیشتری دارند (یافته‌های مدل ۶).

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی چگونگی واکنش بازار سرمایه به تخصص حسابرسان است. یافته‌های حاصل از الگوهای رگرسیونی بر نمونه‌ای متشکل از ۱۲۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره ۵ ساله‌ی ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که در شرکت‌هایی که حسابرسان از تخصص بالاتری برخوردارند، درآمد شرکت تأثیر بیشتری بر قیمت سهام دارد. تخصص بالای حسابرسان با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و مشکلات نمایندگی، شرکت را به بهترین نحو راهبری و کنترل می‌کند. نتایج فرضیه اول نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که در توسط حسابرسان با تخصص بالا حسابرسی می‌شوند، درآمدها تأثیر بیشتری بر قیمت سهام دارند. انجام حسابرسی توسط حسابرسان با تخصص بالا، باعث شفافیت و اعتماد بیشتر استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی می‌گردد، که سبب بهبود موقعیت رقابتی شرکت و در نهایت افزایش درآمدها می‌شود. از سوی دیگر حسابرسانی که تخصص بالایی دارند می‌توانند سبب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی گردند، و این امر باعث کاهش مشکلات نمایندگی می‌شود، زیرا حسابرسی مناسبی که توسط افراد با تخصص بالا انجام گرفته باشد این توانایی را دارد که تلاش‌ها و اقدامات مدیریت را در راستای دست‌کاری حساب‌ها کنترل نماید (دالکوئیست و رابرت، ۲۰۰۱). حسابرسان با تخصص بالا تلاش می‌نمایند تا وظایف خود را به بهترین شکل انجام و به استفاده‌کنندگان در مورد گزارشگری اطمینان بخشی دهند، تا از منافع سهامداران حمایت و موجب افزایش منافع آن‌ها شوند (یو، ۲۰۰۵). انتظار می‌رود که وقوع رفتارهای فرصت‌طلبانه مانند استفاده نامناسب از دارایی‌ها در شرکت‌هایی که توسط حسابرسان با تخصص بالا رسیدگی می‌شوند، کاهش یابد. حسابرسی توسط حسابرسان با تخصص بالا موجب می‌گردد که مدیریت در تصمیمات خود احتیاط نموده و تصمیماتی در راستای کارایی استفاده از منابع را اتخاذ نماید و از هرگونه اقدامی که با واکنش منفی بازار سرمایه روبرو خواهد شد، پرهیز نماید. یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های پیشین همانند جی هری و میهو (۲۰۱۹) که بیان می‌دارند مدیران

جهت جلوگیری از دریافت گزارش حسابرسی غیر مقبول، از بازدهی بالاتر صرف نظر می‌نمایند، سازگار است. آن‌ها بیان می‌نمایند که شرکت‌ها برای جلوگیری از بی‌اعتمادی اعتباردهندگان، درصد حسابرسی باکیفیت‌تری هستند که این امر با به کارگیری حسابرسان دارای تخصص بالا در انجام حسابرسی باکیفیت مقذور می‌باشد. نتایج به دست آمده از این پژوهش با پژوهش رستگاری و مهدوی (۱۳۹۹) سازگار است. نتایج فرضیه دوم نشان می‌دهد که بخشی از واکنش بازار به دلیل اطلاعات ناقص است، در چنین موقعیتی فروشنده شناخت دقیق و کافی نسبت به واکنش خریدار نسبت به تغییر حسابرس ندارد. می‌توان بیان کرد که خریدار شناختی نسبت به علت تغییر حسابرس ندارد (ویلرس، هایب و ژانگ، ۲۰۱۴). نتایج پژوهش جانستون، بدارد و اترج (۲۰۰۴) نشان می‌دهد که در موقعیت رقابتی، با هدفمندتر شدن تلاش عموم حسابرسان، بازده غیرعادی مسیری رو به کاهش طی خواهد کرد. بنابراین، انتظار این است که واکنش بازار به حسابرسی در زمان تغییر و بهبود سطح حسابرس و انتخاب حسابرس دارای تخصص بالا به سطح پیش‌بینی شده نزدیک‌تر شود. هم‌چنین، نتایج به دست آمده از این پژوهش با پژوهش‌های لی و لوین (۲۰۲۰) و بهار مقدم و جوکار (۱۳۹۹) سازگار است. نتایج آزمون فرضیه سوم نشان می‌دهد، که اعتباردهندگان به‌عنوان یکی از گروه‌های اصلی استفاده‌کننده از صورت‌های مالی، در ارزیابی وضعیت و اعتبار مشتری و تصمیمات مرتبط با اعطای اعتبار و تسهیلات، گزارش‌های صادرشده توسط حسابرسان و کنترل‌های داخلی آن شرکت را در نظر می‌گیرند. چنین تصمیم‌ها و ارزیابی‌های اعتباری بسیار مهم و حیاتی بوده و اگر به صورت صحیح و درست انجام نشود، موجب تشدید معوقات و مطالبات بانکی خواهد شد. با افزایش پیدا کردن مطالبات معوق، بانک‌ها قسمتی از دارایی‌های خود را بلوکه شده می‌بینند و در پی این موضوع کاهش یافتن گردش مطالبات و طولانی شدن دوره وصول مطالبات معوق، بانک‌ها در چنین شرایطی نمی‌توانند برنامه‌ریزی مؤثر و بهینه‌ای داشته باشند. با سپردن حسابرسی به حسابرسان با تخصص بالا که نتیجه آن افزایش کیفیت حسابرسی است، ریسک‌های مرتبط با مطالبات به حداقل رسیده و مبالغ تسهیلات اعطایی افزایش پیدا خواهد کرد. سرمایه‌گذاران در تصمیمات سرمایه‌گذاری خود شرکت‌هایی را برمی‌گزینند که شفافیت اطلاعاتی داشته باشند. با افزایش کیفیت حسابرسی به واسطه انجام حسابرسی توسط حسابرسان با تخصص بالا، شفافیت اطلاعات بیشتر شده و هزینه‌های پردازش اطلاعات عمومی و خاص شرکت کاهش پیدا خواهد کرد، حسابرسی باکیفیت انجام شده توسط حسابرسان با تخصص بالا سبب انعکاس اطلاعات در قیمت‌ها

می‌گردد. نتایج به دست آمده در این پژوهش با پژوهش دونون، مارثین و فیلیپس (۲۰۲۰) سازگار است. پیشنهاد می‌شود که شرکت‌ها با به‌کارگیری حسابرسان دارای تخصص بالا، نگرش سهامداران نسبت به شفافیت اطلاعات خود را افزایش داده و اعتماد آن‌ها را جلب نمایند. به‌کارگیری حسابرسان با تخصص بالا باعث اجتناب و دوری از تصمیمات نادرست می‌شود که این اجتناب به‌وسیله تسهیل تحلیل و شناسایی اطلاعات مالی به دست می‌آید و از تحمیل هزینه‌های اضافی جلوگیری می‌نماید. ۱- به شرکت‌ها پیشنهاد می‌گردد در انتخاب حسابرس در کنار سایر موارد توجه خاصی به تخصص حسابرس داشته باشند، تخصص حسابرسان منتخب می‌تواند سبب جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و توان کسب سرمایه لازم برای شرکت گردد. ۲- شرکت‌هایی که قصد کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و مشکلات نمایندگی را دارند پیشنهاد می‌گردد تخصص حسابرسان را مد نظر قرار بدهند. ۳- شرکت‌هایی که بدهی‌ها و اعتبارات دریافتی آن‌ها زیاد است می‌توانند ریسک نکول بدهی‌ها و اعتبارات را، از طریق اعتبار بخشی به صورت‌های مالی توسط حسابرسان با تخصص بالا کاهش دهند. ۴- به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد در انتخاب شرکت‌ها جهت سرمایه‌گذاری به مساله حسابرسان و تخصص آن‌ها توجه به خصوصی داشته باشند زیرا تخصص حسابرسان سبب کاهش ریسک سرمایه‌گذاری آنان می‌گردد.

منابع

- آذین فر، کاوه؛ قدرتی زرام، عباس؛ تیمور پور، سهیلا؛ نوروزی، محمد. (۱۳۹۹). کیفیت حسابداری، سیاست چرخش مؤسسات حسابداری و حق‌الزحمه حسابرسان: رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری. *مجله دانش حسابداری*، ۱۹، ۲۹۰-۲۷۵.
- بهبهانی نیا، پریسا سادات؛ ولی زاده لاریجانی، اعظم. (۱۳۹۹). تأثیر طبقه مؤسسات حسابداری معتمد بر گزارشگری مالی صاحب‌کاران. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۰(۳۷)، ۲۱۸-۱۸۷.
- بهار مقدم، مهدی؛ جوکار، حسین. (۱۳۹۷). اثر تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابداری بر تمایلات سرمایه‌گذاران در قیمت‌گذاری سهام. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۴(۵۷)، ۱۴۶-۱۲۳.
- خوش کار، فرزین. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر کیفیت حسابداری بر میزان دریافت تسهیلات دریافتی از بانک‌ها مطالعه موردی بانک رفاه. *کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری*. <https://civilica.com/doc/437093/>.
- خانی، ذبیح‌الله؛ رجب دری، حسن؛ صدری، ندا. (۱۳۸۹). رابطه کیفیت حسابداری (اندازه مؤسسه حسابداری، تخصص حسابرسان در صنعت و دوره تصدی حسابرسان) و حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسان با اظهار نظر حسابداری نسبت به تداوم فعالیت. *دانش حسابداری*، ۲۰(۷۹)، ۱۵۲-۱۳۸.
- رستگاری، نجمه؛ مهدوی، غلامحسین. (۱۳۹۹). تخصص حسابرسان در صنعت و ساختار بازار حسابداری، *مجله دانش حسابداری*، ۱۱(۴)، ۱۲۸-۹۷.
- عباس زاده، محمدرضا؛ نصیر زاده، فرزانه؛ پور حسینی، حصار. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین نوسان‌پذیری سود و کیفیت حسابداری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابداری*، ۱۰(۸۷)، ۱۵۶-۱۳۹.
- مهرآور، مهدی؛ کارگر، حامد. (۱۳۹۸). بررسی ارتباط بین تغییر حسابرسان و هزینه تامین مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از روش همسان‌سازی. *اولین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه شیراز*. <https://civilica.com/doc/938553/>.
- مشایخی، بیتا؛ عمران، حامد؛ آخوندی، امیر. (۱۳۹۷). تخصص شریک حسابداری در صنعت و کیفیت حسابداری: نقش استراتژی صاحب‌کار. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۳(۱۲۵)، ۱۰۵-۱۰۵.
- واعظ، سید علی رمضان؛ احمدی، محمد؛ رشیدی باغی، محسن. (۱۳۹۳). تأثیر کیفیت حسابداری بر حق‌الزحمه حسابداری شرکت‌های بورسی. *مجله دانش حسابداری مالی*، ۱(۱۰۸)، ۸۷-۸۷.
- ودیدی، محمدحسین؛ کاردان، بهزاد؛ هوشمند زعفرانیه، رحمت‌اله. (۱۳۹۷). اثر کیفیت حسابداری بر میزان خطای سود پیش‌بینی‌شده واحدهای تجاری: معیار رتبه‌بندی حسابداری. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۲۸(۱۵۲-۱۳۵).

- هاشمی نیا، سید مرتضی؛ حیرانی، فروغ. (۱۳۹۹). تاثیر چرخش اجباری حسابرس و اندازه موسسه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *اولین کنفرانس حسابداری و مدیریت*. <https://civilica.com/doc/1025677>.
- Abaszadeh, M., Nasirzadeh, F. & Poorhoseini, H. (2020). Earnings Volatility and Audit Fee in TSE. *Journal of Audit Science*, 20 (78): 392-419. (In Persian)
- Azinfar, K., Godratizovarm, A., Teimorpor, S. & Norozi, M. (2019). The Effect of Mandatory Audit Firm Rotation on Audit Quality and Audit Fees. *Journal of Audit Science*, 19 (77): 275-290. (In Persian)
- Behbahani Nia, P., Valizadeh Larijani, Azam. (2020). the effect of the level of trusted auditing firms on the financial reporting of employers. *Empirical Accounting Research*. 10(37): 187-212.(In Persian)
- Baharmoghadam, M., jokar, H. (2018).The Effect of Moferting Audit Quality on Investor Sentiment in Stock Printing. *Journal of Management and Accounting* .14(56): 123-147. (In Persian)
- Ball, R., Jayaraman, L. & Shivakumar, S. (2012). Audited financial reporting and voluntary disclosure as complements: A test of the confirmation hypothesis. *Journal of accounting and economics*, 53. 136-166.
- Blackwell, D., W. T. R. Noland, & D. B. Winters. (1998). the value of auditor assurance: Evidence from loan pricing. *Journal of Accounting Research*. 36(1), 57-70.
- Chambers, D. & Payne, J. (2008). Audit Quality and Accrual Reliability: Evidence from the Pre-and Post-Sarbanes-Oxley Periods. <http://ssrn.Com/abstract=1136787>.
- Charl de Villiers, David Hayb, & Zhizi (Janice) Zhang. (2014). Audit fee stickiness. <http://ssrn.com/abstract=1771045>.
- Choi, J. H., Doogar, R. K., & Ganguly, A. R. (2014). The riskiness of large audit firm client portfolios and changes in audit liability regimes: Evidence from the U.S. Audit market. *Contemporary Accounting Research*, 21(4), 747-785.
- Dias Duartea, Fábio. Paula Matias Gamaa, Ana. & Paulo Esperanc, José. (۲۰۱۷). Collateral-based in SME lending: The role of business collateral and personal collateral in less-developed countries. *Research in International Business and Finance*, 39, 406 - 422.
- Dahlquist, M. & Robertson, G. (2001). Direct foreign ownership, institutional investors, and firm characteristics. *Journal of Financial Economics*, 59, 413-440.
- Donovan, J., McMartin, A. S. & Phillips, M. (2019). Does Recognition versus Disclosure Affect Debt Contract Design? *Evidence from SFAS 158*.
- Francis, J. R. & Wang, W. (2020). Common Auditors and Private bank loans. *Contemporary Accounting. Journal of practice & theory*, 30(2), 125-152
- Goodwin, J. & D. Wu. (2014). is the effect of industry expertise on audit pricing an office-level or a partner-level phenomenon? *Review of Accounting Studies*, 19 (4), 153-178.
- Gul, F. A., D. Wu, & Z. Yang. (2013). Do individual auditors affect audit quality, evidence from archival data. *The Accounting Review*, 88 (6), 199–223.

- Hay, D & Knechel, W. R. (2010). The Effects of Advertising and Solicitation on Audit Fees. *Journal of Accounting and Public Policy*, 29(1), 60-81.
- Hashemini, Seyed Morteza., Hirani, Forough. (2020). the effect of the auditors' mandatory turnover and the size of the audit firm on the audit quality of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *First Accounting and Management Conference*. (In Persian)
- Hurley, P.J., & Mayhew, B. W. (2019). Market reactions to a high-quality auditor and managerial preference for audit quality. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 38(4), 131-149.
- Johnstone, K. M., Bedard, J. C., & Ettredge, M. L. (2004). The Effect of Competitive Bidding on Engagement Planning and Pricing. *Contemporary Accounting Research*, 21(1), 25-53.
- Jones, J. (1991). Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research*, 29, 193-228.
- Khoshkar, Farzin. (2015). The effect of audit quality on the amount received from banks Banking case study. International Conference on New Research in Management, Economics and Accounting. (In Persian)
- Keller, G., & Warrack, B. (2003). *Statistics for management and economics* (6th ed.). Pacific Grove, CA: Duxbury Press.
- Knechel, W. R., V. Naiker, & G. Pacheco. (2007). Does auditor industry specialization matter, evidence from market reaction to auditor switches. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 26 (1), 19-45.
- Knechel, W., R., G. V. Krishnan, M. Pevzner, L. B. Shefchik, & U.K. Velury. (2013) audit quality: insights from the academic literature, auditing. *Journal of practice & theory*, 32, 385-421.
- Khani, Z., Rajabdari, H. & Sadri., (2020). Does Audit Quality Mediate the Effect Auditor Tenure, Abnormal Audit and auditor Reputation on Giving Going concern? *Journal of Audit Science*, 20(79): 241-259. (In Persian).
- Lee, B. & Roden, D. (2007). Have the Big accounting firms lost their audit quality advantage: evidence from the returns earnings relation. *Journal of Forensic Accounting*, 64(1), 66-73.
- Lee, K.K., Levine, C.B. (2020). Audit partner identification and audit quality. *Review of Accounting Studies*, 25, 778-809.
- Mehravar, Mehdi & Kargar, Hamed. (2019). Investigating the relationship between auditor change and financing in companies listed on the Tehran Stock Exchange using matching method, first national conference on humanities and development, shiraz. <https://civilica.com/doc/938553>. (In Persian)
- Mashayekhi, Bit; Imran, Hamed; Akhundi Amir. (2016). Specialization of the audit partner in the industry and audit quality: the role of the employer strategy. *Empirical Accounting Research*, 3, 105-125.(In Persian)
- Minnis, M. (2011). The value of financial statement verification in debt financing: Evidence from private U.S. firms. *Journal of Accounting Research*, 49 (2), 457-506.
- Nichols, D. R., D. B. Smith. (1990). the market for audit services. *Journal of accounting and economics*, 12(2), 281-308.

- Rastegari, Najmeh; Mahdavi, GholamHossein (2020). Auditor Specialization in industry and auditing market analysis, journal of Accounting Knowledge, 11(4), 97_128.
- Taylor, Mark H, D. T. Simon, & F. Greg Burton. (1999). A Survey of Audit Service Pricing in South Korea. *Research in Accounting Regulation*, 13, 201-207.
- Teoh, S. H., & T. J. Wong. (1993). Perceived auditor quality and the earnings response coefficient. *The Accounting Review*, 68 (2), 346-366.
- Titman, S., & B. Trueman. (1986). Information quality and the value of new issues. *Journal of Accounting and Economics*, 8 (2), 199-229.
- U.S. Senate. (1977). Subcommittee on Reports, Accounting and Management of the Commission on Government Operations. *The Accounting Establishment: A Staff Study*. Washington DC. Government Printing Office.
- Vadiei, M., Kardan, B., & Houahmand Zaferanire, R. (2018). Audit Quality and Earning Forecast Error: As an Auditor Ranking Criterion. *Empirical Research in Accounting*, 8(2): 135-152. (In Persian).
- Watts, R. L. & J. L. Zimmerman. (1986). Positive Accounting Theory. *Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall, Inc.*

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.